



نقش و سهم حوزویان در قلمرو انتشارات مذهبی

اسماعیل باغستانی

ارزیابی مجموعه انتشارات مذهبی در طی سالهای اخیر و صدور حکم در باب کامیابی یا ناکامی کارنامه آن، در گرو مجال و امکانات و اطلاعات وسیعتر و مناسبتری است. اما اینک و به مناسبت ویژه نامه حاضر مناسب می نماید که درباره سهم و نقش حوزه در تولید کل مجموعه کتابها و مجلاتی که اینک تحت عنوان انتشارات مذهبی منتشر می شوند و ظاهراً هم آهنگ رشدشان دم افزون است، سخنی بگوئیم. در نگاه نخست چنین به نظر می رسد که در این قلمرو، حوزه باید حرف اول را بزند، چنانکه در این هزار و اندی سالی که از ظهور اسلام می گذرد همواره چنین بوده است. لیکن اظهار نظر و داوری در این مورد، در حال حاضر، چندان هم آسان نیست. سیر کوتاهی در تاریخ تحولات فکری و سیاسی و اقتصادی دنیای معاصر در غرب و جهان اسلام و خصوصاً ایران، و اندکی تأمل نسبت به دگرگونی های ژرف و شگرف انسان معاصر در قیاس با قرون گذشته، تحلیل و ارزیابی این مقوله

را دشوار می سازد. در جهانی که در آن زندگی می کنیم، همه چیز دگرسان شده و این دگرسانی طبعاً در رویکرد انسان به دین به عنوان یکی از اضیل ترین گرایش ها و شئون وی نیز مؤثر افتاده است و بدنبال آن توقع وی از دین نیز دستخوش تبدیل و تغییر شده است. او اکنون دیگر به چشمی که پیش از این در دین می نگریست بدان نمی نگرد. در این صورت ملاحظه می کنیم که مخاطب دین و بالطبع انتشارات دینی، دیگر مخاطب رام و آرام و بی دغدغه و مؤمن روزگاران گذشته نیست. بلکه مخاطب امروز، در کانون انبوهی از دانشها و پرسشها و شکها و یقین هائی قرار گرفته که بی رحمانه و بی امان بر سر و رویش می بارند و از وی پاسخ و تحلیل می طلبند و حیات وی را هر آن دستخوش اضطراب می دارند و جزم و یقین های او را که در گذشته بدانها دلخوش بود به یاد تردید می سپارند. به این ترتیب، در تحلیل اینکه حوزه چه سهمی و چه نقشی در مجموعه عظیم انتشارات مذهبی به عهده دارد به

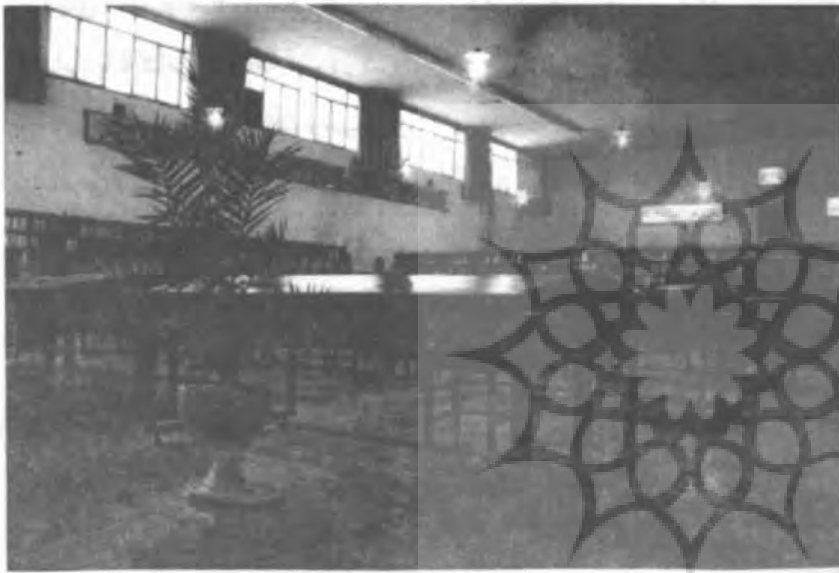
نخستین عامل می رسیم یعنی دگرگونی رویکرد مخاطبان نسبت به دین هماهنگ با دیگر دگرگونی هائی که در قلمروهای دیگر زندگی انسان نوین پدیدار شده است. دومین عامل قابل توجه در این مورد، ورود صنعت چاپ بود به جهان اسلام و خصوصاً ایران. که پس آیند آن، غیر از گسترش دامنه مخاطبان کتاب، پدید آمدن روزنامه و مجله بود که کمأ و کیفأ مخاطب بیشتری نسبت به کتاب داشت و دسترسی به اطلاعات رابرای مخاطبان آسان تر می ساخت. مذهب هم در این میانه بیکار ننشست و صنعت چاپ و رسانه هائی را که بدنبال آن ظاهر شدند به خدمت گرفت. بدینگونه مقولات علمی - تبلیغی دینی که حجله نشین نهانخانه کتاب های خطی و نهایتاً چاپ سنگی بودند در اثر ورود صنعت چاپ و تولد روزنامه و مجله، شاهد بازاری شدند و از حلقه تنگ و بسته «خواص» به بیرون پانهادند و به عرصه بی حد و مرز «عوام» راه یافتند. عامل سوم که در بحث ما،



سرشت پرشتاب و سرکش و جزم‌شکن دوران معاصر نشأت می‌گیرد که دانستن و آزمودن و تحقیق و نوشتن و بیان را حق همه کس می‌داند و دست همگان را در این میدان باز می‌گذارد. بنابراین حوزه بی‌آنکه بخواهد یا بتواند

پژوهشهای دینی می‌داد. اکنون و پس از تمهید مقدمه‌ای که اندکی به درازا کشید به تدقیق در باب سهم و نقش حوزه در مجموعه انتشارات مذهبی می‌پردازیم. یادکرد این مقدمه به این سبب لازم می‌نمود تا ابعاد واقعیت

توجه به آن اهمیت ویژه دارد، بی‌گمان پژوهشهایی است که در باب ابعاد گوناگون دین و مذهب در خارج از حوزه های علوم دینی صورت می‌گیرد و سابقه آن در ایران ما به دوران رضاشاه بر می‌گردد و خود آن متأثر از کارهای مشابهی بود که در غرب در این باب در دانشگاهها و خارج از محیط علمای دین مسیح صورت می‌گرفت و در واقع پای دیگر پژوهندگان را به قلمرو پژوهشهای دینی که تا پیش از آن ملک طلق علمای دینی بود می‌گشود. پیشرفت شگفت علوم در غرب و پدید آمدن معرفت‌های درجه دوم که از خصائص عصر روشنگری بود، افق‌های جدیدی را در تحقیقات دین شناسی پدیدار کرد و دانشمندی با تخصص‌های گوناگون به



کندوکاو و تأمل در ساحت‌های مختلف دین پرداختند. بنابراین رقیب جدیدی بنام دانشگاه برای کلیساها پدید آمد. مشابه همین روند کما بیش در عصر جدید در ایران اتفاق افتاد اگر چه جز در سالهای اخیر، پژوهش وسیع و پرمایه دینی، در دانشگاهها و پژوهشگاههای غیر حوزوی صورت تحقق نیپذیرفت، باین وجود، ایجاد بنیادهایی غیر حوزوی که هم خود را پژوهشهای دینی قرار داده‌بودند خبر از ورود رقیبی به عرصه

رقبای خود را در این میدان دست کم بگیرد، باید به ارزیابی عیب و هنر خود در عرصه انتشارات مذهبی بپردازد و بنا نقد شجاعانه عملکرد گذشته و حال خود در این مورد، خود را تقویت نماید. توجه به عوامل یاد شده حوزه را از ساده انگاری نسبت به مقوله نشر دینی برحذر می‌دارد و بی‌توجهی به این عوامل، بی‌گمان دیر یا زود حوزه را در میدان نشر دینی در مقابل هم‌آوردان تازه نفس پر قدرت مجهز به مواهب عصر جدید از

موجود را تا اندازه‌ای روشن تر نماید و داوری در این باره را آسان تر سازد. اینکه از ابتدای مقاله سخن از سهم حوزه گفتیم، حکایت از پذیرش این واقعیت دارد که با توجه به عواملی که یاد شد، حوزویان در عرضه مکتوب آموزه‌های دینی، دیگر یکه‌تاز نیستند و در کنار دیگران، در مجموعه انبوه کتابها و روزنامه‌ها و مجلاتی که مطالب دینی را عرضه می‌کنند، سهمی و قسمتی هم به آنان اختصاص یافته است و این نکته از



پا می‌افکند. مخاطبان دینداری که امروز مورد تهاجم انبوه اطلاعات قرار می‌گیرند و در عصر فن‌آوری و اقتدار علمی انسان، بدنیاال معنی زندگی می‌گردند و معنویت را در دین می‌جویند، اگر در این مقوله، در میان کتابها و مجلات و روزنامه‌هایی که به نوعی با مطالب دینی مرتبط‌اند، چیز دندان‌گیری نیابند که شفای آلام روحی آنها باشد، بی‌گمان عطش معنوی فزاینده خویش را از سرچشمه دیگری غیر از مذهب سیراب خواهند ساخت و جای تردید نیست که در این‌گیرودار مقصر، حوزه‌ها و حوزویانی خواهند بود که به عوامل یادشده توجه نکرده‌اند و ره چنان رفته‌اند که رهروان رفته‌اند و اندکی از تقلید شیوه گذشتگان پافراتر نهاده‌اند و با این حال از مخاطب امروزی قرن بیستمی خویش توقع داشته‌اند که به مطالب و شیوه‌های کهنه و مندرس شده بی‌تأثیر آنان گوش جان فرآهد و چونان سلف مومن خویش بی‌هیچ دغدغه و تردیدی، فارغ‌دانه زندگی بی‌ثبات خویش را با آنها وفق دهد.

گرچه رخداد عظیم انقلاب اسلامی، تحول

مهمی را در این باب باعث آمد و ظهور مباحث جدید کلامی در دومین دهه پس از انقلاب، آهنگ تحول انتشارات مذهبی حوزویان را پرشتاب‌تر ساخت اما با این وجود مجلات، روزنامه‌ها و کتاب‌هایی که اینک از سوی حوزه‌ها منتشر می‌شوند در مجموع چندان هم خوشنودکننده نیستند و تا رسیدن به وضع مطلوب راه درازی در پیش دارند. زیرا به مهمترین نکته یعنی دگرگونی مخاطب و شیوه‌های پژوهش و عرضه هنوز عنایتی نمی‌رود.

اگر چه برخی تحولات در شکل‌گیری عرضه منشورات مذهبی، در حوزه مشاهده می‌شود، لیکن شناخت طبع شتابناک جهان معاصر که لحظه به لحظه در حال تغییر است و لمح‌ای بر یک خاله نمی‌ماند، از مهمترین وظایفی است که حوزه بر عهده دارد و می‌باید هماهنگ با آن خود را آماده سازد. اگر حوزویان، انسان معاصر را و مخاطب امروزی هموطن خود را به نحو احسن بشناسند و بر انتظارات و تمایلات و دیدگاهها و آگاهی‌ها و طرز تلقی‌های وی وقوف یابند و همزمان با مجهز شدن به

شیوه‌های نوین پژوهش و عرضه، نگاهی دوباره بیندازند و به سنت و از مواهب علوم جدید در این باب بهره‌یاب‌گردند، بی‌گمان در عرصه انتشارات مذهبی همچون گذشته متین‌ترین سخن‌ها را خواهند گفت و انتشارات مذهبی چهره دیگری خواهد یافت. واپسین نکته‌ای که باید خاطر نشان سازم این است که توجه به دگرگونی‌های مخاطبین امروزی ضمناً توجه به این مسأله را هم الزام می‌کند که مخاطبان حوزه‌ها در روزگار ما عموماً در سنین جوانی و نوجوانی هستند و هم از این‌رو توجه به این خصیصه، این وظیفه را برعهده حوزویان قرار می‌دهد که در پرداخت کتب و مقالات دینی، شوق و ذوق و روان و سلیقه پیچیده و آگاهی و غرور جوان را در نظر گیرند و از حداکثر و مثال، و علوم و هنرهایی که عرضه داشت مطالب دینی را در عرصه نشر دینی، ذوق برانگیز و دل‌پسند می‌دارد بهره ببرند و بدینگونه جان جیاسان و رمنده جوان را اسیر کمند حُب الهی سازند.